

دانش، بینش و مدیریت

نوشته دکتر ابوالفضل صادقیپور

تئوریه‌ها که از نوع مدل‌های دسته دوم هستند و جنبه عام به خود می‌گیرد به شکل دانش (مجموعه‌ای از اطلاعات سازمان داده شده و منظم) بین افراد قابل انتقال می‌گردد. همین دانش به مفهوم وسیع خود است که زیربنای نظریه‌ها (تئوریه‌ها) را می‌سازد. تئوریه‌ها که محصول و جوهر علم هستند به دست افراد مختلف کاربردهای نابرابر به خود می‌گیرند. هر قدر دامنه مطالعات نظری یک فرد وسیع‌تر باشد، یک تئوری را عمیق‌تر و گسترده‌تر به کار می‌برد. مثلاً "فردی که فقط نظریه ارتباطات و کنترل (سایبرنتیک) را آموخته و به عنوان مثال کاربرد آن را در یک سیستم ساده مانند یخچال شنیده و یا دیده است، عمق دید و بینش او از نظریه «سایبرنتیک» در محدوده فقط یخچال خواهد بود، اما، اگر فردی دارای اطلاعات وسیعی از الکترونیک باشد، تئوری «سایبرنتیک» را در انواع و اقسام وسایل الکترونیکی و حتی الکترومکانیکی مانند رادیو، تلویزیون، ویدئو، ارتباطات ماهواره‌ای، ربات‌ها، هدایت هواپیماها و موشک‌ها و غیره تصور خواهد کرد و یا بکار

مدل‌سازی مهمترین مشخصه انسان است و تاکنون انواع و درجات گوناگون از مدل‌ها یا الگوها برای خود ساخته و مورد استفاده قرار داده است. در یک نوع تقسیم‌بندی می‌توان انواع مدل‌ها را در سه دسته طبقه‌بندی کرد. دسته اول مربوط به موارد خاص است. مثلاً "بنایی مدلی از یک خانه در فکر خود می‌سازد و بعد این مدل را عینیت می‌بخشد و یا به طور فیزیکی بنا می‌کند. مدیریت برای اداره کارخانه خود الگوهایی دارد و براساس آن الگوها برنامه‌ریزی می‌کند، سازمان می‌دهد، رهبری و کنترل می‌کند.

اما نوع دیگر مدل‌سازی مربوط به موارد خاصی نیست، بلکه مدل یا الگویی کلی ساخته می‌شود. مثلاً "اصول کلی ایجاد بنا را بیان می‌کند. بدون توجه به سازمان خاصی الگوهایی جهت کار مدیر ارائه می‌دهد. دسته سوم مدل‌ها مربوط به زیربنای اساسی فکر انسان است که چهارچوبی جهت مدل‌سازی می‌دهد. منطق ارسطویی، منطق تجربی، و منطق سیستمی از این گونه است که مباحث مربوط به فلسفه علوم را تشکیل می‌دهد.

شیمیایی را می‌بیند و دیگری از این اصل، مرگ خورشید را^۱.

تئوریا نیز همپا و هماهنگ با علم طبقه‌بندی می‌شوند. به عبارت دیگر علوم را می‌توان براساس کلیت متنازل و پیچیدگی متصاعد طبقه‌بندی کرد، مثلاً "ریاضیات با بیشترین کلیات و کمترین پیچیدگی در صدر قرار می‌گیرد. فیزیک با پیچیدگی بیشتر و کلیت کمتر در مرحله بعد جا دارد. تئوریهای فیزیک با استفاده از نظریه‌های ریاضی است ولی فرمولهای ریاضی مستقل از نظریه‌های فیزیک است و هر رشته علمی که پائین‌تر قرار دارد، بر کلیه مبانی نظری رشته‌های فوق متکی است و از جهت پیدایش آن به عنوان یک رشته علمی نیز سلسله مراتب زمانی را مشمول گردیده است.

باتوجه به این مبانی است که می‌بینم نظریه‌های مربوط به مدیریت دارای کمترین کلیت و بیشترین پیچیدگی است و ظهور آن به عنوان یک رشته علمی نیز با اولین رشته علمی یعنی ریاضیات که توسط اقلیدس از فلسفه جدا گردید بیش از بیست قرن فاصله پیدا کرده و با استفاده از نظریه‌های

خواهد برد. حتی این شخص می‌تواند کاربرد تئوری «سایبرنتیک» را در وسایلی که هنوز ساخته نشده است، تصور کند و همین جاست که اختراع پدیدار می‌گردد. حال اگر تصور کنیم فردی علاوه بر اطلاعات الکترونیکی دارای اطلاعات فیزیولوژی انسان نیز باشد، کاربرد «سایبرنتیک» را در وسعت بیشتری می‌بیند و به همین ترتیب اگر اطلاعات روانشناسی نیز داشته باشد، باز ابعاد وسیع‌تر به کاربرد نظریه فوق می‌دهد. در اینجا است که افراد باتوجه به عوامل ژنتیکی مغز و آموخته‌های گوناگون خود به صورت دانش و تجربه دارای دیدگاههای نابرابر هستند و هر فرد با بینش خاصی پدیده‌ها و مسایل خارج از ذهن خود را می‌بیند و بررسی می‌کند و نسبت به آن عکس‌العمل نشان می‌دهد.

نکته مورد نظر این است که تئوریا چون وسایل و ابزاری هستند که قدرت و وسعت آنها به توان و عمق اندیشه افرادی که این وسایل و ابزار را بکار می‌گیرند، بستگی دارد. فردی از اصل دوم ترمودینامیک، فاسد شدن یک ظرف در بسته

۱ - سیستم بطور طبیعی مشمول یک جریان بی‌نظمی می‌شود که آن را انتروپی یا انتروپی مثبت گویند. در مقابل سیستم برای حفظ موجودیت خود نیاز به وارد کردن مواد و انرژی دارد. وارده مربوط به نگهداری سیستم را انتروپی منفی گویند. در صفر مطلق (۲۷۳ - سانتیگراد) انتروپی هر شیء صفر است. وقتی شرایط شیء از صفر مطلق تغییر کند و حرارت افزایش یابد انتروپی شروع می‌شود.

اصول اول و دوم ترمودینامیک نیز با مفهوم انتروپی و سیستم بسته ارتباط دارد، اصل اول ترمودینامیک بیان می‌دارد که مجموع انرژی در سیستم ثابت می‌ماند. اصل دوم بیان می‌دارد که انتروپی در یک سیستم بسته ممکن است افزایش یابد یا ثابت بماند. ولی هرگز کم نمی‌شود. به عبارت دیگر اصل دوم به مفهوم مرگ بر اثر قطع ارتباط با محیط است. البته اجرای حکم مرگ ممکن است در لحظه‌ای به پیش آید و یا هزاران قرن طول بکشد.

ریاضی، اقتصاد، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و امکانات الکترونیکی شکل گرفته است. به همین علت است که نیل به حد مطلوب از بینش در مدیریت نیاز به مطالعات وسیعی دارد که معمولاً کار فردی نیست و براین اساس مدیریت سطوح استراتژیک در بخش عمومی و خصوصی از دانش و بینش گروه‌های تخصصی به صورت ستادی در تصمیم‌گیرها کمک می‌گیرند.

حال، به عنوان نمونه، یکی از تئوری‌های دانش اجتماعی و کاربرد آن در تصمیم‌گیری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

این تئوری به نام «نظریه آشکار و پنهان»^۲ شهرت یافته است. نظریه فوق چنین بیان می‌دارد که با ساخت، ایجاد و یا پیدایش هر پدیده عینی و یا فکری یک مجموعه نتایج آشکار و مورد نظر حاصل می‌شود و یک مجموعه نتایج و آثار پنهان و غیرمنظور، بروز می‌کند. و این مجموعه آثار آشکار و پنهان یا منظور و غیرمنظور به دو دسته «مفید و مضر»^۳ تقسیم می‌شود. مثلاً «اختراع اتومبیل دارای یک سلسله آثار مورد نظر و آشکار مانند حمل بار و مسافر توسط نیروی ماشین بود و یک دسته آثار پنهانی، غیرمنظور و غیرپیش‌بینی شده مانند تغییر روابط اجتماعی، تغییر شکل شهرها، تغییر شکل راهها، ایجاد سوانح، انتقال سریع بیمار و مجروح به بیمارستان، آلودگی هوا، ایجاد مشاغل بسیاری

مانند تعمیر کار، فروشنده لوازم یدکی، باطری ساز، مسئول تعویض روغن، متصدی پارکینگ، ماموران راهنمایی و رانندگی، سازندگان وسائل تنظیم ترافیک مانند چراغ‌های راهنما و بسیاری دیگر را باعث شد. معمولاً آثار پنهانی و غیرمنظور یک پدیده به مراتب گسترده‌تر و مؤثرتر از آثار پیش‌بینی شده و منظور همان پدیده می‌باشد.

چنانچه این تئوری به ظاهر ساده را در مورد جریان‌ات گذشته تاریخی بکار بریم، ارتباط و بهم پیوستگی بسیاری از اتفاقات را به روشنی درمی‌یابیم مثلاً می‌توان ارتباطاتی میان جنگ‌های صلیبی بین سالهای ۱۰۹۵ تا ۱۲۵۰ میلادی و توان استعماری حکومت انگلستان را در قرن نوزدهم پیدا کرد، زیرا به طوری که ملاحظه می‌شود در دوران جنگ‌های صلیبی اندیشه‌های اسلامی و مسیحیت بایکدیگر برخورد بسیار درازمدت داشتند. اندیشه‌های اسلامی آن زمان با اینکه وسیله سیاسی حکامی مانند معاویه و هارون الرشید نیز شده بود ولی هنوز درخشش خاصی داشت، زیرا گذشت تاریخ بعد از آن بود که اصالت آن را زیر پرده کدر خود برد. اگر می‌خواهیم شناخت نسبتاً درستی از اسلام به دست آوریم کافی است به این نکته توجه کنیم که در مقابل ۲۵۰ آیه‌ای که در قرآن کریم به احکام اختصاص دارد، ۷۵۰ آیه یعنی $\frac{1}{8}$ کل آیات مؤمنان را به مطالعه

2- Manifest and Latent

3- Functional and Dysfunctional

در سال ۱۲۲۴ میلادی کتاب ارسطو و در سال ۱۲۳۱ کتابهای ابن سینا و زکریای رازی را از عربی به لاتین ترجمه کرد.

جریانات دیگری که باز از آثار پنهانی و غیرمنظور جنگهای صلیبی بود، خروج طلا از کلیساها جهت هزینه‌های نظامی از یک طرف و بروز جنبشهای اعتراض‌آمیز بسیاری علیه پاپ بود که نهایتاً "منجر به پیدایش شاخه جدیدی از مسیحیت به نام پروتستانها گردید. جنبشهای پروتستانی باعث تغییر در جهان‌بینی ملل اروپا از اطاعت، قناعت و عبادت به کار، مسئولیت‌خواهی و کسب خشنودی از زندگی شد و مذهبی که برای یک دوره طولانی در حدود ده قرن به نام قرون وسطی عامل تحمیق، تخدیر و فقر انسانها بود و با شروع کردن تفتیش عقاید توسط رهبر مذهبی خود پاپ و شناخت مخالفین و اعدام آنان توسط سوزاندن پس از برخورد با اندیشه‌های متفکران اسلامی آنچنان تغییر ماهیت داد که نه تصور آن می‌رفت و نه جزء اهداف مورد نظر و آشکار بود.

این تغییر در جهان‌بینی باعث توجه به مادیات و زندگی مادی و در نتیجه تجدید حیات فکری به نام «رنسانس» گردید. این رنسانس به صورت مقدمه و پیش شرط انقلاب صنعتی ظاهر شد و از آنجا که این فرهنگ و نحوه تفکر در انگلستان زودتر از دیگر کشورهای اروپایی نفوذ کرد، انگلستان به عنوان مرکز و مهد انقلاب صنعتی صاحب آنچنان

طبیعت و تعقل و اینکه تفکر و تعهد علمی را جزء لاینفک زندگی اجتماعی خود بدانند، دعوت می‌کند و علل اصلی شکوفایی اسلام در ابتدا نیز همین تحرک و اندیشه‌پردازی آن بود و تا زمانی که جوامع اسلامی به مبانی اصلی خود برنگردند، خروج از بن‌بست عقب‌ماندگی امکان نخواهد داشت.

به هر حال، اهداف اصلی و آشکار جنگهای صلیبی این بود که کلیسای رم می‌خواست سلطه خود را بر رم شرقی که بیت‌المقدس نیز جزء آن بود اعمال نماید. هدف و منظور دوم اقتصادی بود، زیرا بازرگانان «ونیز» جهت رونق کار خود به این جنگ علاقمند بودند. اما نهایتاً اروپا با یکصدوپنجاه سال جنگ نتوانست به مهمترین هدف، و منظور خود که تصرف بیت‌المقدس بوده دست یابد و وحدت مسیحیان هم تحقق نیافت که یکی از اهداف مورد نظر بود. ولی ارمغان عمده‌ای که برای اروپا آورده و در واقع می‌توان آن را از نتایج غیرمنظور جنگهای صلیبی دانست، آشنایی با تمدن شرق بود که بر اثر آن هنر و علوم و کنجکاوی علمی به اروپا راه یافت. به منظور دسترسی به دانش جوامع اسلامی در شهرهای جنوبی ایتالیا به نامهای «توله‌دو»، «بولونیا» و «سالرنو» مراکز علمی عظیمی برپا گردیده بود که در این مراکز علمی دانش روز به زبانهای لاتین، عربی، عبری و اسپانیولی مبادله می‌گردید. در همین جا بود که مایکل اسکاتلندی

پائین بودن قیمت آن باعث سود بیشتر و رونق اقتصادی کشورهای صنعتی می‌باشد.

به همین علت کشورهای پیشرفته صنعتی با برنامه‌ریزی و تمهیدات لازم شرایطی فراهم کردند که بهای آن را به حداقل قیمت رساندند، علاوه بر این قیمت مصنوعات خود را نیز در این دو دهه گذشته بسیار افزایش دادند. سقوط قیمت نفت را در شکل یک می‌توان تصور کرد، تفکر در این شکل می‌تواند باعث تغییر در استراتژیهای توسعه یک کشور گردد.

به منظور تجسم میزان کمبود و تقلیل درآمد نفت به صورت تخمینی و تطبیقی عوامل مربوط به صورت زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تقلیل درآمد کشورهای تولیدکننده نفت را در این پانزده سال گذشته می‌توان با توجه به عوامل زیر در نظر گرفت.

۱- پائین آمدن قیمت هر بشکه نفت به یک سوم قیمت قبلی.

۲- پائین آمدن ارزش دلار که اساس پرداختهای فروش نفت است به حدود یک دوم.

۳- افزایش هزینه‌های مربوط به تولید و انتقال و بیمه.

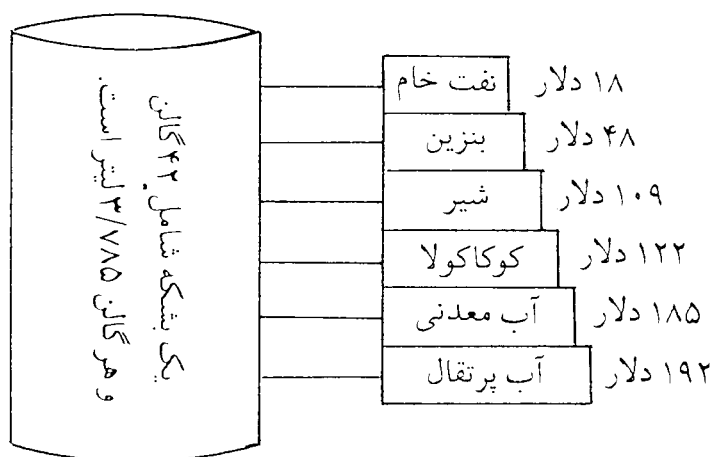
۴- افزایش قیمت تولیدات صنعتی تقریباً به دو برابر.

چنانچه تقلیل درآمد را در مورد کشوری مانند ایران مورد بررسی قرار دهیم عوامل دیگر مانند،

توان اقتصادی و نظامی شد که توانست سرزمین‌های بسیاری را به صورت مستعمره زیر نفوذ و فرمان خود درآورد. با مروری به تاریخ یکی از علل پیشی گرفتن انگلستان را می‌توان چنین تصور کرد که در قرن شانزدهم هجری هشتم به دو علت زودتر از دیگر کشورهای اروپائی خود و جامعه خویش را از قیود کلیسا آزاد ساخت. دلیل اول تصمیم او به انتخاب همسر جدیدی بود که از نظر پاپ مورد قبول قرار نمی‌گرفت و دوم علاقه او به تصاحب کلیه اموال و املاک کلیساها بوده که ثروت هنگفتی به شمار می‌رفت. برعکس در فرانسه یک رهبر مذهبی به نام، «ریشلیو» عملاً زمام امور را در دست داشت و فرانسه را هوادار پاپ ساخت و با پروتستانها به شدت به مبارزه پرداخت.

کلیه مطالب فوق الذکر را با توجه به نظریه آشکار و پنهان می‌توان به صورت مقدمه‌ای فرض کرد که نحوه کاربرد دانش و بینش را در حل مسائل توجیه کند. اکنون یکی از مشکلات مهم را زیر ذره بین تئوریک قرار می‌دهیم تا ببینیم رهبر یا مدیر سازمان چگونه فکر می‌کند و براساس دانش و بینش خود چه می‌تواند انجام دهد. مشکل مورد نظر تقلیل درآمد کشورهای صاحب نفت در سالهای اخیر به علت سقوط قیمت نفت است.

نفت به عنوان عامل انرژی یکی از اجزاء هزینه برای تولید و همچنین امور روزمره زندگی است و

شکل ۱- مقایسه بهای یک بشکه نفت خام با چند نوع کالا^۴

مصرف هزینه‌های نظامی و سرمایه‌گذاریهای کلان در خارج می‌رسید.

مهمترین نتیجه‌ای که از بررسی این پدیده به دست می‌آید این است که وجود درآمد سرشار گذشته علاوه بر داشتن آثار مفید، اثرات سوئی است که بر جامعه داشته است و آن اینکه مجموعه نظام را ناکارا ساخته است که شهر تهران به صورت مظهر فیزیکی یک جامعه ناکارا است و به احتمال قوی اولین اثر فیزیکی و اجتماعی این تقلیل درآمد نیز در تهران ظاهر می‌شود.

از دید مثبت نتیجه این تقلیل درآمد را کم و بیش می‌توان به وضعیت اسپانیا و انگلستان در قرون شانزدهم و هفدهم تشبیه کرد. در آن زمان اسپانیا با

۱- افزایش جمعیت به دو برابر

۲- پائین آوردن سطح تولید و فروش به نصف

۳- هزینه‌های مربوط به خرابیهای جنگ

میزان تقریبی سهم از درآمد نفت به هر فرد ایرانی از رقمی در حدود ۷۰۰ دلار به رقم بسیار ناچیزی تقلیل می‌یابد. البته وضع موجود یک چنین اختلافی را نشان نمی‌دهد و آن هم به این علت است که،

۱- از منابع انباشته شده گذشته مصرف می‌کنیم که مرتباً "کاهش می‌یابد.

۲- از فروش منابع آینده که ملیاردها دلار بدهی، اسناد آنها است مصرف می‌کنیم.

۳- سهم عمده‌ای از درآمد نفت در گذشته به

۴- برای اطلاع بیشتر به منبع زیر مراجعه شود. ضمناً این تصویر مربوط به زمانی است که قیمت نفت بالاتر از امروز بوده است.

USA today money thursday, Sept. 2, 1993

ابعاد فعالیتهای اجتماعی وجود دارد مثلاً". در تولیدات صنعتی و کشاورزی ناکاراییهای بسیار است. در مواد غذایی آنچه که تولید می شود یک سوم آن بین برداشت و مصرف ضایع می گردد. بعضی مواد مانند سوخت و دارو، شاید به نسبت بیشترین ضایعات را در سطح جهان داشته باشیم. مثلاً "مردم تهران هفت برابر مردم بلژیک مصرف بنزین دارند و یا مردم ایران نوزده برابر مردم هندوستان مصرف دارو دارند از سوی دیگر چنانچه به نگهداری وسایل و ابزار و ساختمان و راهها و تولیدات صنعتی و کشاورزی توجه شود و از آنها به خوبی نگهداری شود می توان ادعا کرد که مجموعاً "رقمی در حدود درآمد حاصل از فروش نفت به درآمد ملی اضافه خواهد شد.

وقتی مشکلات در موارد متعدد در زمینه های گوناگون باشد می توان به این راز پی برد که مجموعه مسایل دارای علت واحد یا علت العلل می باشد. این علت العلل ساختار فکری جامعه است که در برخورد با مسایل توان شناخت و مقابله با آنها را ندارد. درآمد تقریباً "۴۰۰ میلیارد دلاری از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۷۲ که از منابع نفتی کسب کرده ایم به سادگی این راز را فاش می کند که جامعه جهت پیشرفت نیاز به یک تحول فکری دارد.

اساس این تحول فکری این می تواند باشد که جامعه با شتاب بیشتری به سوی عقلانی شدن امور از طریق تفکر علمی حرکت کند. این تفکر علمی

تسلط بر مناطق امریکای لاتین و کالیفرنیا و کشف معادن طلا صاحب ثروت گردید تا جایی که جامعه اسپانیا نیازهای خود را با طلا تأمین می کرد ولی مردم انگلستان مجبور بودند با کار و کوشش پاسخ احتیاجات خود را بدهند و تولیدات خود را در اختیار کثبوری چون اسپانیا قرار دهند و برای خرید مواد اولیه و دیگر نیازهای خود طلا به دست آورند و در نتیجه جامعه انگلستان فعال و قوی و اسپانیا کم تحرک و ضعیف گردید. البته نمی توان ادعا کرد که فقر می تواند یکی از عوامل مهم پیشرفت باشد ولی می توان ادعا کرد امکانات مالی فراوان و کم زحمت می تواند زمینه عدم تحرک و کاهلی را در یک جامعه فراهم سازد.

در بحث استفاده از نظریه آشکار و پنهان نبایستی فقط به مسائل مهم تاریخ مانند جنگهای صلیبی و یا یک موضوع اقتصادی مانند تقلیل قیمت نفت توجه کرد، بلکه کاربرد این تئوری را می توان در تمام مسایل شخصی و اداری ملاحظه کرد. مثلاً "آثار غیرمنظور و پنهان خرید یک دستگاه اتومبیل هزینه اضافی پیش بینی شده و غیرمنظور زندگی خانواده را بیش از چند برابر می کند و یا هزینه توسعه شبکه تلویزیونی را که دو میلیارد تومان فرض می شود به شصت میلیارد تومان هزینه ملی افزایش می دهد. (۳)

وقتی با یک دید وسیعتر به مساله ناکارایی ها توجه کنیم، ملاحظه می گردد که ناکارایی ها در تمام

است که جوهر هر حرکت سازنده‌ای را شکل می‌دهد. در دنیای امروز کلیه تصمیمات مهم عمومی، خصوصی، داخلی و خارجی از قانون تفکر علمی پیروی می‌کند. ماشینهای الکترونیکی در انباشتن و تجزیه و تحلیل اطلاعات قدرت فزاینده‌ای را در اختیار استفاده‌کنندگان تفکر علمی قرار داده و می‌دهد و در آینده از این طریق پیشرفت حتی شتاب بیشتری به خود می‌گیرد.

شناخت و بکارگیری الگوهای صحیح فکری مانند تمام رفتارهای پیچیده انسان که در ابتدا غیرقابل تصور می‌نمود با آموزش و یا تمرین آسان می‌شود. جراحی قلب، یا این کار اعجازانگیز انسان، از نظر جراح ساده می‌باشد. با مطالعه تئوریک و تمرین آنچنان سهل می‌گردد که قبلاً "باور آن نمی‌رفت. وقتی انسان به راز تئوریک سایبرنتیک یا ارتباطات و کنترل پی برد و بسیاری از کارهای انسانی را برای نخستین بار به دست مصنوع خود به نام ربات سپرد کار غیرقابل تصویری انجام گردید و حال آنکه امروز کار ساده‌ای، به نظر می‌رسد. استفاده از تفکر علمی در مدیریت و رهبری سازمان هم به همین صورت است.

پیش شرط تفکر علمی پرسش و تجسس در مورد پدیده‌های عینی است و با شک علمی پاسخی برای پرسش ارائه می‌شود و این پاسخ با یک روش علمی به بوته آزمایش گذاشته می‌شود. (۴) البته این پرسش نه فقط نسبت به شرایط حال

است بلکه اتفاقات گذشته و امکانات آینده را نیز دربر می‌گیرد. مثلاً "علل و اتفاقات جنگ دوم جهانی را زیر ذره‌بین تحقیق بردند و با شناخت علل و اسباب جنگ نسبت به ایجاد و متوقف کردن جنگ به راههایی دسترسی پیدا کردند. ضمناً" به این نکته نیز بایستی توجه داشت که توسعه و گسترش تفکر علمی با تقلیل اندیشه‌های جزمی همراه است زیرا گرایش یک فرد جزمی برای این است که اطلاعات خاصی را برمی‌گزیند و آنها را آنطور که می‌خواهد در دفاع از اندیشه‌های خود تفسیر و تعبیر می‌کند. تفکر علمی به حقایق ناشی از اطلاعات و دانش توجه دارد (۵). دیدگاههای علمی این امکان را به دست می‌دهد که از آثار مثبت پیش‌بینی شده و غیرپیش‌بینی شده بیشترین استفاده و با شناخت آثار منفی آن، حداقل خسارات ممکن را دید.

نکته پایانی

باتوجه به مطالب بالا مسایل گذشته، حال و آینده را می‌توان از دید تفکر علمی مورد بررسی قرار داد. مهمترین مساله تاریخ معاصر ایران دو پدیده انقلاب و جنگ است که حداقل در طول دو قرن گذشته دارای بیشترین اثر اجتماعی بوده است. چنانچه از دید تفکر علمی دو پدیده فوق مورد بررسی قرار گیرد و آثار آشکار و پنهان، منظور و غیرمنظور هر یک از آنها شناخته شود به سادگی به

اطلاعات حیاتی دسترسی پیدا خواهیم کرد که حیرت آور خواهد بود. چنانچه در مورد نحوه تحمیل جنگ پس از پیروزی انقلاب توجه شود ملاحظه خواهد شد که اتفاقات به ظاهر ساده و جسته گریخته و از قبل طراحی شده مجموعاً زمینه جنگ را فراهم کرده است و حتی با دیدی وسیعتر به این راز پی خواهیم برد که فقط جنگ به این ملت تحمیل نگردید بلکه یک جریان تحمیلی بر جامعه حاکم شد که جنگ یک پدیده گذشته آن است و دیون یک پدیده حال است و قطعاً در آینده نیز به شکلی دیگر ظاهر خواهد شد. این جریان تحمیلی به شکل یک نوع استعمار کلاسیک مانند تسلط بریتانیای کبیر بر هندوستان قرن نوزدهم نیست بلکه به صورت یک نوع برخورد ضعیف و انفعالی با محیط است و یا به عبارت دیگر می توان مجموعاً این جریان را معلول برخورد یک تفکر برتر به نام تفکر علمی و یک تفکر غیر علمی که محل آن در کاسه سر انسان است دانست. در خاتمه شاید بتوان مصداق فرد و یا جامعه ای که با ساختار فکری ضعیف مشکلات خود را در دیگران می بیند در شعر زیبای شاعر نامی ناصر خسرو یافت که می گوید:

نکوهش مکن چرخ نیلوفری را برون کن ز سر باد خیره سری را
تو چون خود کنی اختر خویش را بد مدار از فلک چشم نیک اختر را

منابع و مأخذ

- ۱- پروفیسور عبدالسلام برنده جایزه نوبل فیزیک ۱۹۷۹ انتقال علوم و تکنولوژی. ترجمه هاله المعی و محمدرضا بهاری، از انتشارات انجمن فیزیک ایران با همکاری مؤسسه انتشارات فاطمی ۱۳۶۸.
- ۲- جواهر لعل نهرو، نگاهی به تاریخ جهان، جلد اول ترجمه محمود تفضلی از انتشارات مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر ۱۳۶۱ صفحات ۴۵۷-۵۵۶.
- ۳- ابوالفضل صادق پور نظریه تصمیم گیری عمومی، در چند مقاله از انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ۴- ابوالفضل صادق پور، دانش مدیریت نرم افزار پیشرفت، مجله مدیریت دولتی، مرکز آموزش مدیریت دولتی شماره ۱۲ سال ۱۳۷۰.
- ۵- ابوالفضل صادق پور مدیریت بر جامعه دانشمند، نشریه مدیریت امروز شماره ۱۷ سال ۱۳۵۳ از انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.